



روایتی از حضور رهبر انقلاب در منطقه آغشته به آلودگی شیمیایی

به ارتفاعات رسیدیم، همین که از ماشین آمدم پایین، یک هلیکوپتر که می‌خواست در آن منطقه به زمین بنشیند توجهمان را جلب کرد

همشهری آنلاین: به ارتفاعات رسیدیم، همین که از ماشین آمدم پایین، یک هلیکوپتر که می‌خواست در آن منطقه به زمین بنشیند توجهمان را جلب کرد. با خودمان گفتیم در این شرایط ناامن آسمان، چه کسی با هلیکوپتر به این‌جا آمده؟ دیدیم یک برادر جانباز با دو عصا در زیر بغل از هلیکوپتر پیاده شد و پس از او یک نفر با لباس سپاه آمد که متوجه شدیم آیت‌الله خامنه‌ای است. فارس: این عکس مربوط می‌شود به حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در منطقه عمومی حلبچه همزمان با عملیات والفجر 10 که در روزهای پایانی اسفندماه سال 1366 صورت گرفت. منطقه تصویر، ارتفاعات شندروین عراق است که حدود 36 ساعت پیش به تصرف نیروهای سپاه درآمد بود. آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به مسئولیتشان در جنگ و در اداره کشور، برای دریافت آخرین اطلاعات و مشاهدات عنـد، شخصاً در منطقه حـضـه، بدا کده بودند. منطقه شندروین در غرب رودخانه‌ی سیروان که مرز ایران و عراق است و در عمق حدود پنج شش کیلومتری خاک عراق قرار دارد. قرار بود نیروهای سپاه برای حفظ منطقه قرارگاهی در این ارتفاع تأسیس کنند. کارها به سرعت آغاز شده بود. من در آن زمان مسئول عملیات لشکر 11 امیرالمؤمنین(ع) بودم. ما سوار بر خودرو از پایین به سمت ارتفاعات حرکت کرده بودیم. عراقی‌ها اگر چه منطقه را در زمین از دست داده بودند، اما آسمان در اختیار آن‌ها بود. منطقه هنوز پاکسازی نشده بود و به هیچ وجه امنیت در آن وجود نداشت. هواپیماهای عراقی مدام بر فراز آسمان پرواز می‌کردند و بمب می‌ریختند. توپخانه دشمن هم بیکار نبود و روی منطقه آتش می‌ریخت.

به ارتفاعات رسیدیم، همین که از ماشین آمدم پایین، یک هلیکوپتر بل 206 که می‌خواست در آن منطقه به زمین بنشیند توجهمان را جلب کرد. با خودمان گفتیم در این شرایط ناامن آسمان، چه کسی با هلیکوپتر به این‌جا آمده؟ منتظر بودیم تا سرنشینان آن بیرون بیایند تا به سرعت آن‌ها را منتقل کنیم مبدا هلیکوپتر توسط هواپیماها هدف قرار نگیرد. دیدیم یک برادر جانباز با دو عصا در زیر بغل و یک پای قطع‌شده از هلیکوپتر پیاده شد و پس از او یک نفر با لباس سپاه آمد که متوجه شدیم آیت‌الله خامنه‌ای است که آن زمان رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع هم بودند. فکر می‌کنم ایشان برای استفاده بیشتر از وقت با هلیکوپتر به این‌جا آمده بودند. همگی سریع سوار ماشین شدیم و به سمت محل تأسیس قرارگاه -که #171 قرارگاه نجف نام گرفته بود- حرکت کردیم. جدا از مسیر حرکت ما، منطقه حلبچه و ارتفاعات شندروین و بالامبو هم به شدت زیر آتش توپخانه و هواپیماهای دشمن قرار داشت. کل منطقه را با بمب‌های معمولی و شیمیایی هدف قرار می‌دادند. به محل ساخت قرارگاه رسیدیم. قرار بود سوله‌ای در محل یک شیاری -که از امنیت بیشتری برخوردار بود- ساخته شود. فکر می‌کردیم این کار انجام گرفته، اما وقتی به آن محل رسیدیم، متوجه شدیم هنوز این اتفاق نیفتاده و فقط توانسته بودند چند چادر برپا کنند.

حضرت آقا از ماشین پیاده شدند. نیروهای سپاه مشغول حفر سنگر برای نصب سوله بودند. از زیر یکی از چادرها، پتویی آوردند و روی یکی از سنگرهای نیمه‌کاره انداختند تا آیت‌الله خامنه‌ای روی آن بنشیند. همین که ایشان مستقر شدند در آن‌جا، هواپیماها مدام بمباران می‌کردند. نگران بودیم که نکند یکی از این بمب‌ها به این‌جا بخورد.

همه‌جای منطقه عمومی حلبچه داشت بمباران می‌شد. حتی مشخص بود که خود شهر حلبچه هم بمباران شیمیایی می‌شود. حضرت آقا از مشاهده این وضع ناراحت بودند، چون علاوه بر نیروهای ما، مردم بی‌گناه حلبچه هم قربانی می‌شدند. به همین خاطر دستور اکید صادر کردند که سپاه هرچه سریع‌تر مردم حلبچه را تخلیه کند و آن‌ها را به سرعت برای مداوا به اردوگاه‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های پشت جبهه منتقل کند. در واقع ایشان در آن موقعیت، اولویت کار سپاه را بر انتقال مجروحان و مصدومان مردم حلبچه قرار دادند.

عکس فوق زمانی گرفته شد که حضرت آقا و همراهانشان از ماشین پیاده شده بودند و از ارتفاع به سمت محل قرارگاه نجف در یک سرازیری حرکت می‌کردند. من در این تصویر، اولین نفر در جانب راست آیت‌الله خامنه‌ای قرار دارم. در این تصویر دو نفری که لباس کردی به تن دارند، از نیروهای مهندسی-رزمی هستند و سه نفر از برادران که از همراهان ایشان بودند نیز در تصویر حضور دارند. ایشان حدود هشت یا نه ساعت در آن ارتفاعات حضور داشتند و بعد سوار هلیکوپتر شدند و رفتند.

* راوی: سردار کوروش آسیابانی، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای غرب سپاه